

نگاه

درباره ۳۰ دوره جشنواره فیلم فجر
یادی از آنانی که جشنواره را
پر بار می کردند و نیستند

زاون قوگاسیان

■ ۳۰ سال از جشنواره فجر می‌گذرد؛ ۳۰ سالی که مثل برق و باد گذشت، ۳۰ سالی که یک جشنواره هر سال برگزار شد و حالا برای خودش سابقه‌ای طولانی دارد. وقتی که اولین سال جشنواره را به یاد می‌آورم یا بهتر است بگویم دو، سه دوره اول را، به خوبی می‌بینم که چه کسانی آن را برپا کردند. چه پشتوانه‌ای داشتند و این پشتوانه به کجاها رسید و به این ترتیب چگونه برنامه‌ریزی صحیح این رویداد فرهنگی را چون نهالی تازه رُسته به سرانجام رسانده است.

آنچه که جشنواره را جشنواره می‌کند، آن را می‌پروراند، تلاوم می‌بخشد و سامان می‌دهد چند عامل کلیدی است که دانش و نظم، اساسی‌ترین آنها هستند. حالا بهتر است به یکی از کسانی که مجموعه‌ای از تمامی این توانایی‌هاست اشاره کنم؛ کسی که نگاهی آمیخته به دانش سینمایی و نظمی آموخته و صاحب تجربه‌های بسیار گرانبها و متفاوت از جشنواره‌های دیگر دارد. جمال امید. نامش را برای اولین بار در مجله خوشه در اوایل دهه ۴۰ دیدم و بعد از آن بود که در مجلات معتبر سینمایی آن زمان‌ها مثل فیلم و هنر و ستاره سینما نامش در کنار بزرگانی چون پرویز دویلی، جمشید ارجمند، بیژن خرسند... دیده می‌شد. در آن زمان بود که کم‌کم مطالب سینمایی او در نشریات معتبر دیگر آن دوران همانند فردوسی دیده شد. آشنایی با نام جمال امید و دنبال کردن کارهایش برای‌مان این نکته را روشن می‌کرد که او دانش سینمایی خود را با حضور بزرگانی چون فرخ غفاری در کانون فیلم ایران به دست می‌آورده، همانجایی که بسیاری از بزرگان سینمای امروز ما دانش سینمایی خود را بدیوش می‌دانند؛ چراکه نشان از دریافت درست از سینما دارد؛ فرخ غفاری و کانون فیلم و در کنارش آشنایی جمال امید با فرخ غفاری که سینما دهنده و هنرشناسی بزرگ بود و به تاریخ سینما و فیلم‌های آن علاقه‌واق داشت و هر آنچه را که به دست می‌آورد در کانون فیلم به نمایش می‌گذاشت و همگان نیک می‌دانیم که زنده‌یاد فرخ غفاری بی‌تردید اولین علاقه‌مند تاریخ سینمای ایران است. به این‌ترتیب اولین آشنایی و مراوده با فرخ غفاری موقعیت بسیار مناسبی برای جمال امید فراهم کرد که بتواند برای بارور کردن ریشه‌های سینمای درست و بالنده خود آن بهره برد و حالا به این جمع یفزاینده بزرگان و اندیشمندان اهل فیلم و عمل مانند زنده‌یادان هژیر داریوش، بهرام ری‌پور، پرویز دویلی، جمشید ارجمند...

اواسط دهه ۴۰ بود. حالا جمال امید یکی از مجریان جشنواره‌های مهم کشور شمرده می‌شد. در کنار زنده‌یاد مرتضوی، جازه سیاست را در مجله فیلم و هنر در کنار زنده‌یاد فرخ غفاری و زنده‌یاد هژیر داریوش در جشنواره کودکان و نوجوانان گرفت و در ادامه در سال ۱۳۵۱ است که نخستین جشنواره جهانی فیلم تهران آغاز به کار می‌کند. این رویداد اندوخته‌ها را پر از گوهرهای قیمتی می‌کند و برای جمال امید تجربه‌های مکملی را به ارمغان می‌آورد. در اواخر دهه ۴۰ رویدادهای مهم به وقوع می‌پیوندد؛ همان سال‌هایی که آغاز ساخته شدن فیلم‌های متفاوت ایرانی است حالا می‌خواهیم جشنواره فجر را برپا کنیم. به‌نظمر حالا وقتش شده است، تنها جمال امید نظم دهنده، برنامه‌ریز و آگاه به دنیای سینما می‌تواند جشنواره را با کوله‌باری از تجربه‌های ارزشمند چه از نظر روحی و چه از نظر معنوی برای تشویق سینماگران ایرانی در اوایل انقلاب بر گزار کند. نکته‌های ظریفی را می‌توانم مثال بزنم، حضور مرتضی موسی‌زاد، گرافیکست گرانقدیر و معروف ایران در کنارش ابراهیم حقیقی که بهترین پوسترها و مواد تبلیغی فجر را کار کرده است. بهترین تیم‌های سینماشناس در این جشنواره با جمال امید همراه بوده‌اند و زنده‌یاد بهرام ری‌پور یکی از آنهاست. تجربه‌های سالیان امید به خوبی کارساز بود. دولت‌ها رفتند و آمدند و رفتند اما جمال امید نرفت و ماند و توانست در حیطه کارش سیاسی نباشد و فقط از کسانی که سینما و قواعد آن را می‌شناختند تا حد امکان استفاده کند. به همین دلیل می‌گویم وقتی اولین جشنواره فجر بر پا شد احساس می‌کردم این جشنواره ادامه جشنواره‌هایی است که حالا خیلی کوچک، ساده و در حد مقدورات برپا می‌شود. ۳۰ سال جلوتر می‌آییم. حالا هم جشنواره فجر داریم و هم جشنواره کودک، همان‌ها که آموخته جمال امید در فارابی بودند جشنواره کودک بر گزار می‌کنند. چند دوره اولش را به یاد بیاورید و حالا ر در این چند دوره آخر چقدر بی نظمی مشاهده کرده‌اید آیا آموزش‌ها را خوب نیاموخته‌اند؟ جمال امید در جشنواره فجر هیچ‌گاه علنی ظاهر نشد. در همه جا نام او بود هر چند در داور۱ ها گاهی بی‌ثباتی، سیاسی‌گری و... مشاهده می‌شد و می‌شود اما این کار بی‌تردید به او بر نمی‌گردد. بالاخره کسان دیگری هم جشنواره را می‌گردانند و صد البته دیسیپلین امید به ریشه‌های سینما بر می‌گردد، حتی سینمای ایرانی که جمال‌امید در آن سناریو می‌نوشت همیشه با او به احترام و بزرگی رفتار می‌شد، یعنی دیسیپلین و قواعد امید را امروزه ندارد بنابراین کاستی‌ها و حتی فشارها به آنان برمی‌گردد.

■ یکی از ویژگی‌های جشنواره امسال قرار بود دادن پروانه نمایش دایم به فیلم‌های حاضر در جشنواره باشد اما در نهایت ماجرا فقط به دادن پروانه نمایش موقت و صدور پروانه موقت منتهی شد. این سوال را باید از مدیر کل نظارت و ارزشیابی، یعنی آقای سجادیپور پرسید. ولی تا جایی که اطلاعاتم اجازه می‌دهد، می‌توانم این گونه پاسخ دهم که امسال یکسری پروانه نمایش موقت و یکسری پروانه نمایش دایم داریم. معمولا در جشنواره‌های قبل برای تمامی فیلم‌ها پروانه نمایش موقت صادر می‌شد. تا ۱۰ سال قبل هم این گونه بود. فیلم‌ها روزهای آخر می‌رسید و متصدیان جشنواره نمی‌توانستند آنها را کامل ببینند و برای‌شان پروانه نمایش موقت برای حضور در جشنواره صادر می‌کردند. تازه بعد از جشنواره ما به عنوان تهیه‌کننده مراجعه می‌کردیم و به دنبال پروانه نمایش دایم می‌رفتیم. برای پروانه نمایش دایم یکسری موارد به ما گوشزد می‌شد. صدور پروانه نمایش موقت برای این بود که جشنواره کارش را به راحتی انجام دهد. امسال کاری انجام شد که یکسری تبعات و خوبی‌ها داشت. تبعاتش را در سال‌های بعد متوجه می‌شویم. آمدند و گفتند می‌خواهیم به اکثر فیلم‌ها پروانه نمایش دایم بدهیم یعنی باید شورا فیلم‌ها را کامل ببیند، اگر موردی دارند اصلاح شود تا بتواند برای ارتکش برنامه‌ریزی کند یعنی بعد از جشنواره بیشتر فیلم‌ها با خیال راحت و آرامش به سراغ برنامه‌ریزی می‌روند. این کار هزینه تهیه‌کننده‌ها را هم به شدت پایین می‌آورد. برای اولین‌بار در جشنواره فجر طبق درخواست ما از آقای سجادیپور و لطف ایشان به اکثریت فیلم‌ها پروانه نمایش دایم داده شد. حالا اگر به چهار تا فیلم اصلاحیه می‌خورد به دلیل پروانه نمایش دایم است...

■ **اصلاحیه که همیشه هست، ربطی به پروانه ندارد و این نکته هم هواره وجود دارد که در روند تبدیل شدن فیلمنامه دارای مجوز چه اتفاقی می‌افتد که بعد از تبدیل شدن به فیلم باید با مساله اکران و عدم اکران روبرو و باشند.**

اینها را باید از آقای سجادیپور پرسید. من مسئول این اتفاق نیستم. اصلا بحث نظارت بر جشنواره بر عهده وزارت ارشاد است و اجرای جشنواره بر عهده ماست. من نمی‌توانم جواب این سوال را بدهم.

■ **مسئولیت‌شان چیست؟**
نمی‌دانم، شما ارزیابی کنید. به هر حال برپایی یک جشنواره ملی، سختی‌های خودش را دارد. در کنار سیاست‌گذاری‌ها آن را با جشنواره‌های دیگر دنیا بسیار متفاوت می‌کند. ما جشنواره‌های بین‌المللی کمی داریم که رابطه‌اش این قدر با مردم نزدیک باشند. شما هر کس را با هر طیف سلیقه می‌بینید که در ایام جشنواره در مقابل بلیت و اخبار جشنواره است، این نشان‌دهنده جایگاه خوب جشنواره است و ما در دنیا چنین جشنواره‌هایی کم داریم. از طرفی شما دارید حاصل و برآیند یک‌سال کار سینمای ایران را مشاهده می‌کنید و می‌توانید درباره مسیری که داریم، ارزیابی کنید که از کجا به کجا رسیدیم، چه تعداد به خانواده سینما اضافه شده‌اند، اینتم‌های افزایش یافته به سینمای ایران کدام است... من معتقدم بعضی از مدیران عرصه فرهنگ می‌توانند در جشنواره فجر به موضوعات مهمی برسند. می‌توانند جامعه‌شناس‌ها و استناد دانشگاه را دعوت کنند تا فیلم‌ها را ببینند و بر اساس نظرات آنها آسیب‌شناسی جمعی داشته باشند. بعد وقتی سیاستمداران ما متوجه اهمیت سینما شوند قطعا سعی می‌کنند از آن استفاده کنند. من احساس می‌کنم سینما جزئی از جامعه است و با دیدن هر فیلم انگار دارید اعضای جامعه را می‌بینید. یک نفر که

به بحث‌های سیاسی علاقه‌مند است دنبال فیلم‌های سیاسی می‌رود، یک نفر سراغ فیلم‌ها را مانتیک، یک نفر اقتصادی و... پس سینما یک جامعه کامل است. اما در بعضی از این آثار سینمایی نقد مفید نهفته است و در برخی از آنها سیانمایی و غرض‌پوری وجود دارد. من خودم به عنوان تهیه‌کننده متوجه این موضوع می‌شوم. در حقیقت فیلم‌هایی موفق هستند که شرایط اجتماعی را تحلیل می‌کنند، آن را نقد کرده، راجع به آن آگاهی می‌دهند و فضای جامعه را در نظر می‌گیرند. و البته باید نگاه‌شان منصفانه باشد. افراط و تفریط در هر جریانی ما را به نتیجه نمی‌رساند.

■ **چه کسی مشخص می‌کند در روند ساخت یک فیلم افراط و تفریط وجود دارد؟**

اداره ارزشیابی، خود من هم به عنوان تهیه‌کننده حتما متوجه افراط و تفریطم می‌شوم. ما بعد از دین ۹۰ فیلم در سینمای ایران در طول یکسال می‌توانیم متوجه شویم چه مشکالی در حال شکل‌گیری در جامعه است تا برای آن برنامه‌ریزی کنیم. این یک مساله اساسی است که در تمام دنیا برای آن ارزش قابل می‌شوند.

■ **ولی در ایران برای آن ارزش قابل نمی‌شوند...**

نه این‌طور نیست. ما فاش‌شده سینما غافل هستیم. هنوز قبول نکردیم سینما مهم‌ترین و تأثیرگذارترین رسانه در دنیاست. حتی اینترنت نتوانست جای سینما را بگیرد. در جوامع دیگری که برای سینمای‌شان سیاست‌گذاری می‌کنند... اصلا نمی‌شود گفت که سیاستی در عرصه سینمای دنیا وجود ندارد و در تمام جشنواره‌های جهان فضای دموکراسی دارند. یکی از دوستان من از زبان یکی از مدیران فستیوال‌های بزرگ جهانی که سال‌های

سینمای ایران



فیلم «سلکه» ساخته محمدعلی بادشاهیان



فیلم «بقر» ساخته رضا درمیشیان

گفت‌وگو با محمد خزاعی دبیر جشنواره سی‌ام فیلم فجر

هر انحلالی فضا را سرد می‌کند

■ **شهرزاد همتی: محمد خزاعی، امسال دبیر سی‌امین و مهم‌ترین جشنواره سینمایی ایران است. هنگامی که برای گفت‌وگو با او به دفتر جشنواره در باغ فردوس رفته از همان اول با گله‌گذاری آغاز کرد و گفت: «با وجود کم‌بختی‌هایی که این روزها را روزنامه شما دیدم، می‌خواستیم از شما به عنوان کسی که چند سال است در عرصه سینما فعالیت می‌کنید پرسش‌هایم را راجع به جشنواره امسال چیست؟» و وقتی به چند مورد همچون «جای خالی نسل‌های قبلی سینما، جای خالی خانه سینما، ممیزی‌های عجیب» اشاره کردم جواب این بود «اینکه دست ما نیست، فیلم باید تولید شود...» و در نهایت از نظر او این نگاه ورود به حواشی بود. بعد از آن بود که صحبت درباره سی‌امین دوره جشنواره را آغاز کردیم. گفت‌وگویی که گاه دبیر جوان این دوره در آن سوال‌ها را با سوال جواب می‌داد و درباره نامه اسناف گفت: من هنوز نامه را نخوانده‌ام و بعد از خواندن‌شان اظهار نظر خواهم کرد.**

شده‌اند. شما وقتی فیلم‌های امسال را می‌بینید متوجه می‌شوید که رمز ماندن من این است که کاری به هیچ کاری ندارم، بعد از روی کار آمدن دولت جدید، وزیر آن دولت می‌آید و می‌گوید سیاست ما قرار است پیگیر آفریقا باشد و من از همان موقع متوجه می‌شوم که باید دنبال فرهنگ و سینمای آفریقا باشم. در تمام دنیا همین است.

■ **اما بحث ما ارزشی بود که برای سینما قابل نمی‌شویم...**

پس این همه بحث و گمانه‌زنی و گمانه‌زنی و گمانه‌زنی که می‌آید؟ اینها همه برای ارزش‌گذاری به سینماست. ما فرهنگ خودمان را نمی‌شناسیم. کار ما شده کپی ک ردن از کارهای خارجی که برای فرهنگ اروپایی ساخته می‌شود. مادر جریان سینمای ایران باید خواسته‌ها را دستمجم و جریان‌سازی کنیم.

■ **اگر خانه سینما قبل از جشنواره منحل می‌شد باز هم دبیری را می‌پذیرفتید؟**

نمی‌دانم. آن‌دها بر اساس موقعیت تصمیم می‌گیرند. یک زمانی انحلال انجام شده بود و می‌گفتند شما بیا و دبیر شو، آن زمان باید انتخاب می‌کردید ولی الان بر اساس یک فرضیه گفتن کمی اشتباه است. روزی که این پیشنهاد شد خیلی خوشحال شدم اما از این هم ناراحت شدم که باید فیلمم «قلاده‌های طلا» را کنار می‌گذاشتم. خوشحال بودم که چقدر خوب است می‌توانم کاری برای خودمان انجام دهم، چون من هم جزوی از همین جا هستم. اما الان نمی‌شود بر اساس فرضیه حرف زد. اصلا نمی‌شود. هر اتفاقی که بیفتد باید از جشنواره فجر حفاظت کرد.

من یادم می‌آید زمانی که مرحوم سیف‌الله داد، دبیری جشنواره را برعهده داشت حواشی بسیاری اطرافش بود. یادم می‌آید که آن سال فیلم «ورس آتش» را، بیرون از مسابقه گذاشته بودند من رفته و گفتم آقای داد من روزنامه‌نگارم و شما باید بگویید چرا این کار را کردید؟ او جواب من را نداد و گفت من حرف‌هایم را زدم. فرمایش رفته و تیتز بزرگ در روزنامه زدم که آقای داد سوال‌های ما بی‌جواب ماند. الان می‌فهمم که خام بودم و می‌فهمم هر کسی که قبل از من دبیر جشنواره بوده چقدر زحمت کشیده چه در دوره‌های فعلی و چه در قبل.

■ **انحلال خانه سینما چقدر دبیری جشنواره را سخت‌تر کرد؟**
واقعیت امر این است که در هر جایی وقتی یک اتفاقی می‌افتد، حالا این اتفاق می‌تواند انحلال، تعطیل شدن، از بین رفتن و هر وانه‌ای که شما اسمش را می‌گذارید باشد، یک مقدار فضا را سرد می‌کند. شما نمی‌توانید از این واقعیت فرار کنید و بگویید هیچ اتفاق نیفتاده و همه چیز خوب پیش می‌رود. اما یک اتفاق مهم‌تر افتاد که برخورد خوبی از طرف مدیران خانه سینما با جشنواره فیلم فجر شده. خانه سینما یک بیانیه جداگانه صادر کرد و گفت این جشنواره عید سینمای ایران است. من این واژه را از همین دوستان یاد گرفتم. آنها رسماً عید و سال تحویل سینمای ایران را جشنواره فیلم فجر اعلام کردند و گفتند هر جایی که کمکی خواستید به ما بگویید و ما به شما کمک می‌کنیم. من می‌خواهم، بگویم صنف سینمای ایران و کسانی که در این سینما فعالیت می‌کنند متوجه

هستند که جشنواره فجر یک جریان دیگر است و آن را جشن ملی سینمای خود می‌دانند، در حالی که دوست دارند هر چه سریع‌تر وضعیت خانه سینما معلوم شود. مهم است که وضعیت خانه سینما برای‌مان شفاف شود و اینکه بالاخره ما صاحب خانه بودیم و الان هم در حال بررسی هستیم که دوباره صاحب خانه شویم، به هر حال ما هم داریم در همان صنف فعالیت می‌کنیم. من از جنس برخورد صنف با جشنواره خوشحال شدم. آنها تفکیک جریان داشتند و جشن ملی سینمای‌شان را با بحث‌های دیگر تلفیق نکردند.

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عدددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

سودوکو
۴۳۳

حل
سودوکو
۳۳

۳	۷	۱	۴	۶	۵	۲	۹
۱	۶	۹	۵	۸	۲	۷	۳
۲	۳	۹	۷	۳	۶	۱	۸
۷	۲	۵	۸	۱	۳	۹	۶
۹	۸	۶	۳	۱	۲	۴	۷
۲	۱	۴	۷	۹	۳	۸	۵
۹	۵	۳	۱	۷	۸	۶	۲
۶	۲	۸	۹	۵	۷	۳	۱
۸	۳	۲	۴	۱	۹	۵	۱

	۸	۴		۱		۶	
۹	۲	۶		۸			
۱				۶	۷	۹	
	۷			۴			۸
		۸	۷		۱		۶
		۹	۲		۸		۷
				۱	۵		۲
۴					۲	۳	۵
	۵			۴			۹